

# بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه‌های اهواز از موقعیت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل‌های قطری تحرک

عبدالرحمن راسخ، معصومه باقری، صدیقه حافظی

(تاریخ دریافت ۱۳/۶/۸۶، تاریخ پذیرش ۱۷/۱۲/۸۷)

چکیده: براساس نظریه تحرک اجتماعی رفتارها، حالات و ارزش‌های افراد تحت تأثیر پایگاه اجتماعی پیشین (مبدأ) و نیز پایگاه اجتماعی جاری (مقصد) آنها قرار می‌گیرد. اگر پایگاه اجتماعی پیشین و پایگاه اجتماعی جاری فرد یکسان نباشد، گوییم تحرک اجتماعی رخ داده است. جهت بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر رفتارها، حالات و روش‌های افراد، مدل‌هایی تحت عنوان مدل‌های قطری تحرک پیشنهاد شده است. در این مقاله، با استفاده از مدل‌های قطری تحرک برای متغیر پاسخ‌ترتیبی، به مطالعه هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی‌شاپور می‌پردازیم. از میان نتایج مختلف حاصل از این مطالعه می‌توان به تأثیر متغیرهای سن، تحصیلات پدر، درآمد فرد، درآمد همسر، وضعیت استخدامی همسر و تحرک اجتماعی بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان اشاره کرد. همچنین با توجه به نمونه مورد مطالعه، زنان در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود بیش از موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می‌دهند. مفاهیم کلیدی: پایگاه اجتماعی، تحرک اجتماعی، مبدأ، مقصد، مدل‌های قطری تحرک، هویت طبقاتی اجتماعی

## مقدمه

انسان و جایگاه او در جهان مدت‌هاست که ذهن بشر را به خود مشغول داشته و موضوع مناسبی برای تحقیق اجتماعی بوده است. در جوامع امروزی، انسان از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است و از آن‌جا که هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است، بنابراین بررسی هویت انسان‌ها بسیار قابل توجه است.

«هویت اجتماعی» احساس تعلق و وابستگی به یک جامعه است به گونه‌ای که عضو یک جامعه از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۱). یکی از جنبه‌های هویت، هویت طبقه اجتماعی است که به تلقی افراد از طبقه اجتماعی‌شان اشاره دارد. سابقه مطالعات مرتبط با جوانب مختلف طبقه اجتماعی، با سابقه نسبتاً طولانی به دهه ۱۹۴۰ میلادی برمی‌گردد. در آن سال‌ها علی‌رغم حضور زنان در برخی مشاغل، با توجه به ساختار خانواده که پدر خانواده منبع اصلی تأمین‌کننده درآمد خانوار محسوب می‌شد و بقای خانواده تنها توسط موقعیت شغلی او تعیین می‌گردید، بنابراین موقعیت اجتماعی زنان از وضعیت اجتماعی و شغلی همسرشان قابل استنباط بود. اما با رشد بیشتر مشارکت اجتماعی زنان و افزایش تعداد زنان شاغل و همچنین تغییر در ساختار خانواده، جامعه‌شناسان به سوی بررسی فرضیه‌ای سوق پیدا کردند که آیا زنان هویت طبقاتی اجتماعی خود را متأثر از موقعیت اجتماعی همسرشان می‌دانند؟ آیا زنان هویت طبقاتی اجتماعی خود را بیشتر متأثر از موقعیت شغلی همسرشان می‌دانند یا موقعیت شغلی خودشان را در تعیین طبقه اجتماعی‌شان بااهمیت‌تر تلقی می‌کنند. تحرک اجتماعی چگونه تصور آنان را از طبقه اجتماعی‌شان تحت تأثیر قرار می‌دهد و زنان تحت چه شرایطی طبقه اجتماعی بالاتری برای خود قائل می‌شوند. در این مقاله به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت شغلی همسرشان (مطالعه موردی دانشگاه‌های اهواز) خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

### مروری بر دانش موجود در زمینه مسئله (ملاحظات نظری)

در مورد هویت طبقه اجتماعی زنان تحقیقات وسیعی در جهان صورت گرفته است. فلسون و کنوک به بررسی وابستگی زنان متأهل به وضعیت اجتماعی همسران‌شان در ارزیابی طبقه اجتماعی خود پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که هم زنان و هم همسران آن‌ها هنگام ارزیابی طبقه اجتماعی‌شان توجه کمتری به موقعیت اجتماعی طرف مقابل خود دارند (۱۹۷۴). ریتز و هارگنز دریافتند که رابطه میان موقعیت شغلی زن و هویت طبقاتی واقعی او حتی پس از به

۱. این مقاله حاصل پژوهشی است تحت عنوان «مدل‌های قطری تحرک و کاربرد آن‌ها در بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی‌شاپور» که در قالب یک رساله کارشناسی ارشد آمار اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه شهید چمران اهواز ارائه شد.

حساب آوردن ویژگی های همسرش باقی می ماند. به عبارت دیگر، علاوه بر این که زن از مشخصات همسرش در تعیین هویت طبقاتی اش تأثیر می پذیرد، از موقیعت شغلی خودش نیز تأثیر می پذیرد (۱۹۷۵).

مطالعه انجام شده توسط هیلر و فیلیبر نشان داد که زنان در تعیین هویت طبقه اجتماعی شان موقیعت شغلی خود و موقیعت شغلی همسرشان را دارای اهمیت یکسان می دانند (۱۹۷۸). در حالی که ون و لسر و بیقلی از مطالعات خود در این زمینه نتیجه گرفتند که زنان غیر شاغل در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود تحت تأثیر موقیعت شغلی همسرشان قرار می گیرند، اما زنان شاغل در تعیین هویت طبقاتی خود به یک اندازه به موقیعت شغلی خود و موقیعت شغلی همسرشان اهمیت می دهند (۱۹۷۹).

چکنم و چکنم پس از انجام دادن تحقیقات در این زمینه به این نتیجه رسیدند که زنان هویت طبقه اجتماعی خود را از موقیعت اجتماعی همسران شان استنباط می کنند (۱۹۸۳). دیویس و رابینسن پیشنهاد کردند که زنان در دهه ۷۰ هویت طبقه اجتماعی خود را تحت تأثیر موقیعت شغلی همسرشان استنباط می کردند در حالی که زنان شاغل در دهه ۸۰ در تعیین هویت طبقاتی خود به موقیعت خود و همسرشان اهمیت یکسان می دادند (۱۹۸۸). در رابطه با هویت طبقه اجتماعی زنان مطالعاتی در باب مقایسه بین ملت ها نیز انجام گرفته است. از جمله رایت پس از بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان امریکایی و سوئدی نتیجه گرفت که زنان امریکایی در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود را متأثر از موقیعت همسران شان تعیین می کنند. این در حالی است که زنان سوئدی در تعیین هویت طبقاتی خود برای موقیعت اجتماعی خود و موقیعت اجتماعی همسران شان اهمیت یکسان قائل می شوند (۱۹۸۹).

هایز و جونز با استفاده از تحقیقاتی در زمینه هویت طبقه اجتماعی زنان با توجه به داده های تحقیقاتی در استرالیا دریافتند که تحصیلات زن و شغل او تأثیر معنی دار بر تعیین هویت طبقه اجتماعی ندارند (۱۹۹۲). اریکسون و گلد تورپ پس از بررسی عوامل مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان بریتانیا، آلمان، مجارستان، نروژ و سوئد، نتیجه گرفتند که هویت طبقه اجتماعی آنها به طور عمده به ویژگی های همسران شان بستگی دارد (۱۹۹۲). باکستر دریافت که عضویت زنان سوئدی و استرالیایی در طبقه متخصص نقش تعیین کننده ای در تعیین هویت طبقاتی آنان دارد. اما این مسئله در مورد زنان امریکایی و نروژی صادق نیست (۱۹۹۴). رابرتز و مارشال دریافتند که ویژگی های زنان شاغل تمام وقت به طور معنی داری هویت طبقه آنان را تعیین می کنند، اما این ویژگی ها نسبت به ویژگی های همسران شان در تعیین هویت طبقاتی شان دارای اهمیت کمتری هستند (۱۹۹۵). مارشال و همکاران پس از مطالعه هویت طبقه اجتماعی زنان

بریتانیایی و امریکایی نتایج مشابهی به دست آوردند. اما با مطالعه زنان در آلمان غربی، چکسلواکی و مجارستان دریافتند که ویژگی های زن و شوهر به یک اندازه در تعیین هویت طبقه اجتماعی زنان سهم دارند (۱۹۹۵).

سوبل و همکاران به بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت اجتماعی (شغلی) خود و همسرشان پرداختند. آنها برای انجام دادن تحقیق فوق اطلاعات لازم را از یک نمونه ۳۰۷۶ نفری از زنان ۱۸ تا ۵۹ ساله بریتانیایی در فاصله سال های ۱۹۸۵-۱۹۸۷ به دست آوردند. محققان قبلی در بررسی موضوع فوق تلاش کردند آزمون کنند که آیا زنان تنها به موقعیت همسرشان در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود اهمیت می دهند یا به موقعیت خودشان و یا به هر دو به یک اندازه اهمیت می دهند. اما سوبل و همکاران در تحقیق خود به بررسی وزن نسبی که زنان در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت اجتماعی خود و همسرشان می دهند پرداختند. همچنین آنها به این موضوع پرداختند که زنان تحت چه شرایطی وزن کمتر یا بیشتری به موقعیت شغلی خود می دهند و به طور مشابه تحت چه شرایطی وزن کمتر یا بیشتری به موقعیت شغلی همسرشان می دهند. آنها پس از تجزیه و تحلیل داده ها به این نتیجه رسیدند، هنگامی که مرد از نظر تمام وقت یا پاره وقت بودن شغلی در شرایط بهتری نسبت به همسرش باشد، وزنی که زن در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت همسرش می دهد از وزنی که به موقعیت خود می دهد بیشتر است. اما زمانی که زن از نظر شغلی در شرایط بهتری نسبت به همسرش قرار دارد، وزن هایی که به موقعیت خود و همسرش می دهد تقریباً مساوی هستند (۲۰۰۴). علاوه بر تحقیقات فوق، مطالعات دیگری نیز درباره تحریک اجتماعی در سایر زمینه ها انجام شده است. ولمن و لیت تأثیر رشد اقتصادی سال های اخیر در ایرلند را در تحریک اجتماعی بررسی کردند (۲۰۰۶). آپانلی و پترسون تأثیر تعلیم و تربیت را بر روی تحریک اجتماعی مورد مطالعه قرار داد (۲۰۰۷) و نیتل تأثیر تحریک اجتماعی را بر چگونگی رفتار پدر با فرزندان پسر و دختر و همچنین با فرزندان آنها بررسی کرد (۲۰۰۸).

در زمینه هویت طبقه اجتماعی زنان، تحقیقات محدودی صورت گرفته است. ایسمان و کیدقان به بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان در شهر شیراز پرداختند. نتایج تحلیل چندمتغیره در این تحقیق نشان داد که متغیرهای تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع، توانایی عقلانی کردن امور، درآمد خانوار، به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته هویتی دینی داشته اند. متغیرهای گسترده شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع و اعتماد به نفس متغیرهایی اند که به ترتیب بیشترین تأثیر را در هویت قومی افراد داشته اند. متغیرهای گسترده شبکه ارتباطی تحصیلات فرد و تحصیلات پدر تأثیر عمده ای

در تبیین هویت گروهی افراد داشته و نهایتاً متغیرهای تحصیلات مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر هویت ملی افراد داشته اند (۱۳۸۱).  
سفیری و ایمانی تحرک بین نسلی زنان نسبت به مادران شان در تهران را با شاخص هایی چون سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، سن ازدواج، منزلت شغلی و تصمیم گیری در انتخاب همسر سنجیده اند. در میان عوامل مؤثر در نسل دختران، درآمد والدین مهم ترین نقش را در میان سایر عوامل به خود اختصاص داده است در حالی که در نسل مادران آنها نسبت به مادر بزرگ ها سن ازدواج مهم ترین نقش را ایفا می کرد (۱۳۸۵). علاوه بر موارد فوق پژوهش های دیگری در زمینه کلی تحرک اجتماعی در ایران انجام شده است (مقدس، ۱۳۷۴؛ کاظمی پور، ۱۳۷۸؛ و کلانتری و قائمی، ۱۳۸۱).

### روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری تحقیق زنان متأهل شاغل در دانشگاه های شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز هستند. براساس اطلاعات اخذ شده از امور اداری دانشگاه ها در زمان انجام دادن این پژوهش (سال ۱۳۸۴)، تعداد زنان متأهل شاغل در واحدهای مختلف دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور، به ترتیب در حدود ۲۸۵ و ۱۹۸ نفر گزارش شده است (کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شاغل در بیمارستان های سطح شهر، در جامعه آماری در نظر گرفته نشده اند). زنان شاغل در دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی را در یک تقسیم بندی کلی می توان در چهار طبقه هیئت علمی و پزشک، کارشناس، کارمند و کارگر قرار داد. بر همین اساس برای نمونه گیری از روش نمونه گیری طبقه ای استفاده شد. ابتدا یک نمونه مقدماتی انتخاب و با توجه به در دست بودن اندازه کل جامعه و اندازه کل طبقات و با استفاده از فرمول ککران اندازه نمونه هر طبقه به صورت ۱۸۰ نمونه از دانشگاه شهید چمران و ۱۳۰ نمونه از دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور تعیین و به تناسب از میان مشاغل مختلف انتخاب شدند. سپس اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسش نامه طراحی شده و مصاحبه حضوری جمع آوری و پردازش شد. از سوی دیگر با توجه به نقشه طبقه ای شغلی گلدتورپ، پنج رده شغلی شامل: متخصصان (دسته اول)، نیمه متخصصان (دسته دوم)، صاحبان مشاغل آزاد (دسته سوم)، کارمندان معمولی (دسته چهارم) و کارگران (دسته پنجم) برای شاغلان تشخیص داده شد (گلدتورپ، ۱۹۸۰؛ و اریکسون و گلدتورپ، ۱۹۹۲). از هر فرد پاسخگو عنوان کامل شغل خود و همسرش سؤال شد و با توجه به پاسخ آنها، شغل فرد پاسخگو (به عنوان مبدأ) و شغل همسرش (به عنوان مقصد) به یکی از

جدول شماره ۱. توصیف متغیرهای به کار رفته در مدل

| توصیف   | متغیر    | متغیر               |
|---|----------|---------------------|
| ۱ = طبقه پایین؛ ۲ = طبقه متوسط پایین؛ ۳ = طبقه متوسط متوسط؛ ۴ = طبقه متوسط بالا   | $X_1$    | طبقه اجتماعی        |
| ۰ = کمتر از میانگین؛ ۱ = بالاتر از میانگین  | $X_4$    | سن                  |
| برحسب تعداد سنوات تحصیل   | $X_5$    | تحصیلات             |
| ۰ = عرب؛ ۱ = در غیر این صورت  | $X_6$    | قومیت               |
| ۰ = عرب یا بختیاری؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_7$    |                     |
| ۰ = عرب یا بختیاری یا فارس؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_8$    | تحصیلات پدر         |
| برحسب تعداد سنوات تحصیل   | $X_9$    |                     |
| برحسب تعداد سنوات تحصیل   | $X_{10}$ | تحصیلات مادر        |
| ۱ = ضعیف؛ ۲ = متوسط؛ ۳ = متوسط بالا؛ ۴ = خوب یا عالی  | $X_{11}$ | وضعیت مالی          |
| ۰ = رسمی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{12}$ | وضعیت               |
| ۰ = رسمی یا پیمانی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{13}$ | استخدامی            |
| ۰ = رسمی یا پیمانی یا قراردادی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{14}$ | فرد                 |
| ۱ = کمتر از ۱۰۰۰؛ ۲ = ۱۰۰۰-۲۰۰۰؛ ۳ = ۲۰۰۰-۴۰۰۰؛ ۴ = ۴۰۰۰-۷۰۰۰؛ ۵ = ۷۰۰۰ و بیشتر (ده هزار ریال)                          | $X_{15}$ | درآمد فرد           |
| ۰ = رسمی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{16}$ | وضعیت استخدامی همسر |
| ۰ = رسمی یا پیمانی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{17}$ |                     |
| ۰ = رسمی یا پیمانی یا قراردادی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{18}$ |                     |
| ۰ = رسمی یا پیمانی یا قراردادی یا پیمانکار؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{19}$ |                     |
| ۱ = اگر وضعیت استخدام فرد بهتر از وضعیت همسر باشد؛ ۰ = در غیر این صورت  | $X_{21}$ | مقایسه وضعیت        |
| ۱ = اگر وضعیت استخدام فرد بهتر از وضعیت همسرش باشد؛ ۰ = در غیر این صورت   | $X_{22}$ | استخدام             |
| ۱ = کمتر از ۲۰۰؛ ۲ = ۲۰۰-۳۰۰؛ ۳ = ۳۰۰-۴۰۰؛ ۴ = ۴۰۰-۵۰۰؛ ۵ = ۵۰۰-۷۰۰؛ ۶ = ۷۰۰ و بیشتر (ده هزار ریال)                     | $X_{23}$ | درآمد همسر          |
| ۰ = شخصی؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{24}$ | نوع منزل مسکونی     |
| ۰ = شخصی یا اجاره ای؛ ۱ = در غیر این صورت   | $X_{27}$ |                     |
| ۱ = اگر موقعیت شغلی زن از موقعیت شغلی همسرش بهتر باشد؛ ۰ = در غیر این صورت  | $X_{28}$ | متغیرهای تحرک       |
| ۱ = اگر زن تحرک اجتماعی داشته باشد؛ ۰ = در غیر این صورت   | $X_{25}$ |                     |
| ۱ = اگر زن تحرک اجتماعی نزولی داشته باشد؛ ۰ = اگر زن تحرک اجتماعی نداشته باشد؛ ۱ = اگر زن تحرک اجتماعی صعودی داشته باشد | $X_{26}$ |                     |

رده های شغلی فوق (که به ترتیب با کدهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ مشخص شده اند) اختصاص داده شد. بنابراین طبق مدل سویل کلاس مبدأ ( $X_2$ ) دارای پنج دسته و کلاس مقصد ( $X_3$ ) نیز دارای همین تعداد است. سایر متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق و نحوه کدگذاری آن ها در جدول ۱ آمده است.

برای تحلیل تحرک اجتماعی روش های آماری مختلف از قبیل مدل درست نمایی و تحلیل رگرسیونی مورد استفاده قرار گرفته است. اما مدل های قطری تحرک تنها روش آماری است که به صورت ویژه و با هدف تحلیل داده های تحرک اجتماعی پیشنهاد شده است. مدل های قطری تحرک نوعی مدل رگرسیونی با ساختار خاص هستند که امکان تحلیل مبدأ و مقصد و نیز بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر تحرک اجتماعی را به طور همزمان فراهم می کند. از این مدل ها در مواردی که متغیرهای مدل اعم از متغیرهای وابسته و مستقل به صورت اسمی، رتبه ای یا کمی باشند، می توان استفاده کرد. در این مقاله ما نیز از این مدل ها به منظور تحلیل هویت زنان شاغل در دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور پرداخته ایم. بررسی منابع موجود در مورد پژوهش های انجام شده در زمینه هویت اجتماعی در ایران نشان داد که در این مطالعات از مدل های قطری تحرک استفاده نشده است. لذا به منظور آشنایی بیشتر با این قبیل مدل ها به اختصار تاریخچه استفاده از آن ها را مرور کرده و به معرفی آن ها می پردازیم.

مدل های قطری تحرک برای اولین بار توسط سویل جهت بررسی رابطه بین تحرک بین نسلی و نرخ باروری (تعداد فرزندان خانواده) پیشنهاد شد. سویل در این تحقیق نشان داد که چگونه تحرک اجتماعی از شغل پدر به شغل پسر، نرخ باروری (تعداد فرزندان) را افزایش یا کاهش می دهد (۱۹۸۱). پس از آن سویل به تکمیل مدل های پیشنهادی خود در سال ۱۹۸۱ پرداخت. به این ترتیب که متغیرهای مستقل را در این مدل ها وارد کرد، تا از این طریق بتوان در کنار بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر متغیر وابسته، به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل مؤثر بر متغیر وابسته نیز پرداخت (۱۹۸۵). پس از معرفی مدل پایه توسط سویل، در سال های بعد این مدل بارها برای حالات مختلف متغیر وابسته گسترش یافته و مورد استفاده قرار گرفت. از جمله موارد استفاده از این مدل ها می توان به مطالعات مربوط به تحرک اجتماعی و ترجیح احزاب سیاسی اشاره کرد (نیوبیرتا و دگرف، ۱۹۹۳؛ نیوبیرتا و ویترود، ۱۹۹۵؛ دگرف و همکاران، ۱۹۹۵؛ نیوبیرتا، دگرف و آلتی، ۲۰۰۰؛ و نیوبیرتا و فلپ، ۲۰۰۰).

ون برکل و دگرف با استفاده از این مدل ها به مطالعه مشارکت فرهنگی زن و شوهر و سطح تحصیلات آن ها پرداختند (۱۹۹۵). مارشال و فیرد با استفاده از مدل های مرجع قطری به بررسی رابطه میان تحرک اجتماعی و رضایت و عدم رضایت شخصی میان مردان و زنان ده کشور

صنعتی پرداختند (۱۹۹۹). ون در اسلیک و همکاران با استفاده از مدل های مرجع قطری به بررسی تأثیر نسبی سطح تحصیلات هر یک از والدین بر ارزش های تربیتی فرزندان پرداختند (۲۰۰۲). مندن و همکاران با استفاده از این مدل ها به مطالعه اهمیت موقعیت همسر و تحصیلات او در ارزیابی فرد از سلامتی خود، استعمال سیگار و مصرف بیش از اندازه الکل پرداختند. سویل و همکاران برای بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت شغلی خود و همسرشان از مدل های مرجع قطری استفاده کردند. آن ها از طریق این مدل ها بررسی کردند که زنان تحت چه شرایطی در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود به موقعیت اجتماعی همسرشان بیشتر از موقعیت اجتماعی خودشان اهمیت می دهند و به عکس. از آن جا که متغیر وابسته مورد استفاده در این بررسی (هویت طبقه اجتماعی زنان) یک متغیر دسته ای ترتیبی بود، بنابراین سویل و همکاران ابتدا مدل های قطری تحرک اولیه را برای متغیر وابسته ترتیبی گسترش داده، سپس آن را جهت تجزیه و تحلیل داده ها به کار بردند (۲۰۰۴).

### مدل های قطری تحرک

فرض کنید که تعداد  $T$  مبدأ و  $T$  مقصد داریم و  $r$  ( $r = 1, \dots, T$ ) معرف متغیر سطر (تعداد حالت های مبدأ) و  $c$  ( $c = 1, \dots, T$ ) معرف متغیر ستون (تعداد حالت های مقصد) است. همچنین  $Y_i^*$  متغیر وابسته و  $i$  ( $i = 1, \dots, n$ ) اندیس پاسخگو باشد. سویل مدل زیر را برای بررسی تأثیر تحرک اجتماعی و بر متغیر پاسخ پیشنهاد کرد (۱۹۸۵):

$$Y_i^* = \mu(X_i, r_i, c_i) + \varepsilon_i = \pi \mu_{rr}(X) + (1-\pi) \mu_{cc} + \varepsilon_i \quad (1)$$

که  $X_i$  یک بردار ستونی از متغیرهای توضیحی برای پاسخگویی  $i$ ام،  $r_i$  و  $c_i$  به ترتیب مقادیر  $R$  و  $C$  برای پاسخگویی  $i$ ام هستند. همچنین  $\varepsilon_i$  متغیر خطا با امید ریاضی زیر است:

$$E(\varepsilon | X_i, r_i, c_i) = 0$$

در مدل (۱)، میانگین پاسخگوها در سلول  $r$  و  $c$  جدول تحرک (یعنی میانگین پاسخ افرادی که دارای مبدأ  $r$  و مقصد  $c$  هستند) با متغیرهای توضیحی  $X$ ،  $\mu(X, r, c)$  یک میانگین وزنی از توابع رگرسیون قطری  $\mu_{rr}(X)$  و  $\mu_{cc}(X)$  است. به گونه ای که:

$$\mu_{rr}(X) = \alpha_r + X'\beta_r \quad (2)$$



برای مدل فوق این فرضیه را که خطاها مستقل و هم توزیع (دارای توزیع نرمال) با واریانس  $\sigma^2$  هستند، در نظر می گیریم. حال فرض کنیم متغیر پاسخ مورد نظر ( $y$ ) یک متغیر رتبه ای باشد، بنابراین  $y$  با یک مقیاس رتبه ای، اندازه گیری می شود. اما می توان به متغیر رتبه ای  $y$ ، مقیاس های صحیح اختصاص داد و با متغیر حاصل به عنوان یک متغیر استاندارد مانند بالا رفتار کرد. برای تعمیم مدل قطری برای حالت یک متغیر ترتیبی، متغیر مشاهده شده  $y$ ، با دسته بندی  $k = 1, \dots, K$  را به عنوان نسخه کمی شده متغیر پنهان  $y^*$  در نظر می گیریم به طوری که  $y = k$  است اگر  $\tau_{k-1} \leq y^* \leq \tau_k$  که  $\tau_0 = -\infty$  و  $\tau_K = +\infty$  است. با توجه به تعریف رابطه فوق میان  $y$  و  $y^*$ ، متغیر پنهان  $y^*$  را به جای  $y$  مدل بندی می کنیم. ساختار میانگین متغیر پنهان  $y^*$  عبارت است از:

$$y_i^* = \mu(x_i, \tau_i, c_i) + \varepsilon_i = \pi(x_i) \mu_{ris}(x_i) + \{1 - \pi(x_i)\} \mu_{cic}(x_i) + \varepsilon_i \quad (3)$$

همانند قبل، توابع رگرسیون قطری به صورت زیر مشخص می شوند:

$$\mu_{ris}(x_i) = \alpha_r + x_i' \beta_r$$

$$\mu_{cic}(x_i) = \alpha_c + x_i' \beta_c$$

به طوری که  $\beta_r \neq \beta_c$  است. پارامترهای توابع رگرسیون قطری می توانند تحت  $L$  قطر تغییر کنند ( $r = 1, \dots, T, c = 1, \dots, T$ ). در معادله (3)، عبارت های  $\pi(x_i)$  و  $1 - \pi(x_i)$  وزن هایی هستند که به ترتیب به وضعیت مبدأ و مقصد اختصاص می یابند.  $\pi(x_i)$  وزنی است که در تعیین متغیر وابسته به مبدأ داده می شود و  $1 - \pi(x_i)$  وزنی است که به مقصد اختصاص می یابد. از طریق تعریف وزن ها به صورت توابعی از متغیرهای توضیحی، پس از برآورد پارامترهای به کاررفته در توابع مذکور، می توان بیان کرد که چگونه متغیرهای توضیحی مختلف، وزن های مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می دهند. یعنی در چه حالتی از متغیرهای فوق، مبدأ (مقصد) وزن بیشتری در تعیین متغیر وابسته (رفتار یا حالت فرد) می گیرد. با توجه به این که وزن ها باید در فاصله بسته صفر و یک قرار گیرند، برای تحقق شرط فوق می توان توابع وزنی را به صورت زیر تعریف کرد (برای آشنایی بیشتر با این قبیل مدل ها می توان به سویل و همکاران، ۲۰۰۴ مراجعه کرد).

$$\pi(x_i) = \frac{\exp(\delta_0 + x_i' \gamma)}{1 + \exp(\delta_0 + x_i' \gamma)} \quad (4)$$

### فرضیه های تحقیق

#### فرضیه اصلی

به نظر می رسد زنان شاغل در موقعیت های متفاوت در تعیین هویت طبقه اجتماعی خود به موقعیت شغلی خودشان و موقعیت شغلی همسرشان اهمیت یکسانی نمی دهند.

## فرضیه های جانبی

۱. به نظر می رسد سن افراد عامل تعیین کننده ای در تلقی آنان از طبقه اجتماعی شان باشد.
۲. به نظر می رسد میزان تحصیلات زنان شاغل عامل تعیین کننده ای در تلقی آنها از طبقه اجتماعی شان باشد.
۳. به نظر می رسد قومیت زنان عامل تعیین کننده ای در نوع تلقی آنان از هویت طبقه اجتماعی شان باشد.
۴. به نظر می رسد میزان تحصیلات پدر و مادر افراد پاسخگو، در تصور آنان از هویت طبقه اجتماعی شان مؤثر است.
۵. به نظر می رسد وضعیت مالی خانواده پدری افراد پاسخگو، در تصور آنان از هویت طبقه اجتماعی شان مؤثر است.
۶. به نظر می رسد میزان درآمد زنان و همسران شان، عامل تعیین کننده ای در نوع تلقی زنان از هویت طبقه اجتماعی شان باشد.
۷. به نظر می رسد نوع استخدام زنان و همسران شان در تصور آنان از طبقه اجتماعی شان مؤثر است.
۸. به نظر می رسد بالاتر یا پایین تر بودن موقعیت شغلی زنان نسبت به موقعیت شغلی همسران شان (تحرک اجتماعی نزولی یا صعودی) عامل تعیین کننده ای در نوع تلقی زنان از هویت طبقه اجتماعی شان باشد.
۹. به نظر می رسد رابطه وضعیت استخدامی زنان با وضعیت استخدامی همسران شان عامل تعیین کننده ای در تصور زنان از طبقه اجتماعی شان باشد.
۱۰. به نظر می رسد سن زنان عامل تعیین کننده ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقه اجتماعی شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران شان می دهند باشد.
۱۱. به نظر می رسد قومیت، عامل تعیین کننده ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقه اجتماعی شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران شان می دهند باشد.
۱۲. به نظر می رسد بالاتر یا پایین تر بودن موقعیت شغلی زنان نسبت به موقعیت شغلی همسران شان (تحرک اجتماعی نزولی یا صعودی)، عامل تعیین کننده ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقه اجتماعی شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسران شان می دهند باشد.

بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه های اهواز از موقیعت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل های قطری تحرک

۱۳. به نظر می رسد رابطه وضعیت استخدامی زنان با وضعیت استخدامی همسران شان عامل تعیین کننده ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقه اجتماعی شان به موقیعت شغلی خود و موقیعت شغلی همسران شان می دهند باشد.

### یافته های تحقیق

هدف از این پژوهش، مطالعه هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل با استفاده از مدل های قطری تحرک است. بدین ترتیب که قصد داریم بررسی کنیم که عواملی مانند سن، تحصیلات، قومیت، تحصیلات پدر و مادر، وضعیت اقتصادی خانواده پدری زن، وضعیت استخدامی زن و وضعیت استخدامی همسر، وضعیت اقتصادی خانواده، چگونه تلقی زنان از طبقه اجتماعی شان را تحت تأثیر قرار می دهند. همچنین عواملی چون سن، تحصیلات، رابطه بین موقیعت شغلی زن و همسرش، رابطه بین وضعیت استخدامی زن و همسرش، اهمیتی را که زن در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقیعت خود و همسرش می دهد چگونه تحت تأثیر قرار می دهند. به طور مشخص تأثیر عوامل مختلف شامل مشخصات فردی و عوامل اجتماعی- فرهنگی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی خانواده پدری فرد، وضعیت اقتصادی خانواده فرد، وضعیت استخدامی فرد و وضعیت استخدامی همسر را بر هویت طبقه اجتماعی زنان بررسی می کنیم.

قبل از مدل بندی و بررسی عوامل مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل، ابتدا رابطه میان هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل با موقیعت شغلی آنها و موقیعت شغلی همسران شان (به عنوان سطوح مبدأ و مقصد)، را به طور خلاصه در جدولی به نام جدول تحرک (جدول ۲) بیان می کنیم. سطرهای این جدول نشان دهنده سطوح موقیعت شغلی زن (به عنوان سطوح مبدأ)، و ستون های آن نشان دهنده سطوح موقیعت شغلی همسر (به عنوان سطوح مقصد) است. عناصر درون هر سلول جدول نشان دهنده درصد افرادی از آن طبقه است که هر یک از پنج طبقه اجتماعی معرفی شده در بخش های قبل را به عنوان طبقه اجتماعی خود انتخاب کرده اند. طبقات اجتماعی پایین، متوسط پایین، متوسط متوسط، متوسط بالا و بالا در جدول به ترتیب با شماره های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ نشان داده می شوند. اعداد درون پرانتز در هر سلول جدول بیانگر تعداد افرادی است که در آن سلول قرار دارند. به عنوان مثال، عدد ۴۰ درون پرانتز در سلول اول جدول نشان می دهد تعداد زنانی که خود و همسرشان هر دو از نظر شغلی در رده متخصصان جای می گیرند، ۴۰ نفر است. درصدهای داده شده در این سلول نشان می دهند که تنها ۵ درصد افراد نمونه متعلق به مبدأ اول و مقصد اول (یعنی افرادی که طبقه شغلی آنها و همسران شان، طبقه متخصصان و مدیران است)، طبقه اجتماعی متوسط متوسط را برای خود گزارش داده اند،

جدول شماره ۲. رابطه بین هویت طبقه اجتماعی زنان و موقعیت شغلی خود و همسرانشان

| شغل شوهر   |  |  |   |  | شغل زن            |
|--|--|--|---|--|-------------------|
| کارگران  | کارمندیهای معمولی  | صاحبان مشاغل آزاد  | نیپه متخصصان  | متخصصان و مدیران   |                   |
| ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                               | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....۱<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۱)                 | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....۴۰<br>۴.....۲۰<br>۵.....۴۰<br>(۵)            | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....۱۸/۷۵<br>۴.....۷۵<br>۵.....۶/۲۵<br>(۱۶)       | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....۵<br>۴.....۴۵<br>۵.....۵۰<br>(۴۰)          | متخصصان و مدیران  |
| ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                               | ۱.....۳/۷۰<br>۲.....۳/۷۰<br>۳.....۶۶/۶۷<br>۴.....۲۵/۹۲<br>۵.....-<br>(۲۷)  | ۱.....-<br>۲.....۲۰<br>۳.....۲۰<br>۴.....۶۰<br>۵.....-<br>(۵)            | ۱.....-<br>۲.....۳/۵۷<br>۳.....۳۵/۶۱<br>۴.....۵۷/۱۴<br>۵.....۳/۵۷<br>(۲۸) | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....۳۳/۳۳<br>۴.....۲۲/۲۲<br>۵.....۴۴/۴۴<br>(۹) | نیپه متخصصان      |
| ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                               | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                 | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)               | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)             | صاحبان مشاغل آزاد |
| ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)<br>۱.....۵۳/۵۷<br>۲.....۴۶/۴۳ | ۱.....۱/۲۸<br>۲.....۲۴/۳۵<br>۳.....۴۸/۷۲<br>۴.....۲۵/۶۴<br>۵.....-<br>(۳۱) | ۱.....۲/۲۳<br>۲.....۵۴/۸۴<br>۳.....۳۸/۷۱<br>۴.....۳/۲۶<br>۵.....-<br>(۵) | ۱.....-<br>۲.....۱۰<br>۳.....۵۲/۵<br>۴.....۳۶/۵<br>۵.....-<br>(۴۰)        | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....۵۰<br>۴.....۵۰<br>۵.....-<br>(۲)           | کارمندیهای معمولی |
| ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۲۸)                              | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                 | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)               | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)                | ۱.....-<br>۲.....-<br>۳.....-<br>۴.....-<br>۵.....-<br>(۰)             | کارگران           |

بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه های اهواز از موقیعت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل های فطری تحرک

۴۵ درصد این افراد طبقه اجتماعی متوسط بالا و ۵۰ درصد آنها طبقه اجتماعی بالا را برای خود تصور کرده اند.

اعداد درون سلول های قطر اصلی جدول تحرک نشان دهنده طبقه اجتماعی افرادی است که موقیعت شغلی آنها و موقیعت شغلی همسران شان، هر دو در یک رده قرار دارند. نتایج درون جدول نشان می دهد که حدود ۵۶/۱۳ درصد افراد نمونه (۱۷۴ نفر)، در این سلول ها جای می گیرند. یعنی موقیعت شغلی ۵۶/۱۳ درصد افراد نمونه، با موقیعت شغلی همسرشان یکسان است. اعداد درون سلول های خارج قطر اصلی، نشان دهنده طبقه اجتماعی انتخابی توسط زنانی است که موقیعت شغلی آنها و موقیعت شغلی همسران شان در یک رده قرار نمی گیرد. اعداد درون جدول شماره ۲ نشان می دهد که ۴۳/۸۷ درصد افراد نمونه (۱۳۶ نفر)، درون این سلول ها قرار می گیرند. یعنی ۴۳/۸۷ درصد از افراد نمونه، از نظر شغلی، موقیعت متفاوتی نسبت به همسرشان دارند.

عناصر درون سلول اول جدول شماره ۲ نشان می دهد هیچ یک از افرادی که در سلول اول قرار دارند (یعنی افرادی که خود و همسرشان از نظر شغلی در رده متخصصان قرار می گیرند)، خود را متعلق به طبقه پایین نمی دانند؛ ۱۵ درصد افرادی که در سلول اول قرار دارند، خود را متعلق به طبقه اجتماعی متوسط متوسط می دانند؛ ۴۵ درصد آنها خود را متعلق به طبقه اجتماعی متوسط بالا و ۵۰ درصد آنها، طبقه بالا را به عنوان طبقه اجتماعی خود برگزیده اند. عناصر درون سلول های بالای قطر اصلی جدول شماره ۱ نیز نشان دهنده افرادی است، که تحرک اجتماعی نزولی داشته اند، یعنی افرادی که از نظر شغلی در موقیعت بهتری نسبت به همسران شان قرار دارند. با توجه به اعداد درون جدول دیده می شود که حدود ۱۷/۴۲ درصد افراد نمونه (۵۴ نفر)، دارای تحرک اجتماعی نزولی بوده اند. همچنین عناصر درون سلول های پایین قطر اصلی جدول، نشان دهنده افرادی است که تحرک اجتماعی صعودی داشته اند، یعنی افرادی که موقیعت شغلی همسران شان از موقیعت شغلی آنها بهتر است. با توجه به اعداد در جدول مشاهده می شود که حدود ۲۶/۴۵ درصد افراد نمونه (۸۲ نفر)، دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده اند.

### تحلیل مشخصات فردی و عوامل اجتماعی - فرهنگی

#### مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان

در این بخش به بررسی تأثیر مشخصات فردی و عوامل اجتماعی - فرهنگی پاسخگو بر هویت طبقه اجتماعی اش می پردازیم. متغیرهای مورد استفاده در این بخش عبارت اند از: سن،

تحصیلات، قومیت و متغیرهای تحرک. از آنجا که هویت طبقه اجتماعی زنان یک متغیر ترتیبی است و همچنین قصد داریم تأثیر عوامل مختلف بر هویت طبقه اجتماعی زنان و نیز تأثیر عوامل مختلف را بر وزنی (اهمیتی) که زنان در تعیین طبقه اجتماعی شان به موقعیت شغلی خود و همسرشان می دهند مورد مطالعه قرار دهیم. لذا ضروری است از مدل فطری تحرک با متغیرهای کمکی در حالتی که وزن های اختصاص یافته به مبدأ و مقصد (موقعیت شغلی زن و همسرش) نیز به متغیرهای مستقل وابسته هستند و میانگین های فطری غیروابسته به مبدأ و مقصد هستند، استفاده کنیم. به منظور دستیابی به بهترین مدل، تمام مدل های ممکن با متغیرهای فوق را برازش داده و مدل دارای کمترین معیار اطلاع آکاتیک را به عنوان بهترین مدل برازش شده انتخاب می کنیم. براساس این معیار مدلی که شامل متغیرهای سن، تحصیلات و سه متغیر تعیین کننده قومیت است و علاوه بر آن قومیت، به عنوان عاملی که می تواند در اهمیتیتی که زن در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقعیت شغلی خود (مبدأ) و موقعیت شغلی همسرش (مقصد) می دهد مؤثر باشد و به وسیله متغیرهای تعیین کننده اش وارد توابع وزنی مدل می شود، بهترین مدل است. جدول شماره ۳، برآورد و خطای استاندارد پارامترهای این مدل را ارائه می دهد (به منظور حفظ اختصار فقط مدل نهایی ارائه شده است).

جدول شماره ۳. برآورد و خطای استاندارد مدل های برازشی  
 برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی و مشخصات فردی

| متغیرهای مستقل          | برآورد پارامترها | خطای استاندارد | p-value | متغیرهای توابع وزنی     | برآورد پارامترها | خطای استاندارد | p-value       |
|-------------------------|------------------|----------------|---------|-------------------------|------------------|----------------|---------------|
| سن                      | -۰/۱۶۵           | ۰/۰۸۲          | ۰/۰۴۵   | عرض از مبدأ ۱           | ۰/۵۰۳            |                |               |
| تحصیلات                 | -۰/۰۰۹           | ۰/۰۲۲          | ۰/۶۷۶   | قومیت (X <sub>۶</sub> ) | -۱/۳۲۸           |                |               |
| قومیت (X <sub>۶</sub> ) | ۰/۱۵۳            | ۰/۱۱۶          | ۰/۱۸۸   | قومیت (X <sub>۷</sub> ) | ۰/۸۲۵            |                |               |
| قومیت (X <sub>۷</sub> ) | -۰/۰۱۷           | ۰/۰۹۰          | ۰/۸۴۵   | قومیت (X <sub>۸</sub> ) | ۴/۷۲۶            | ۰/۴۹۱          | $2e^{-16} >$  |
| قومیت (X <sub>۸</sub> ) | -۰/۲۳۵           | ۰/۱۵۳          | ۰/۱۲۷   | عرض از مبدأ ۲           | ۲/۷۰۳            | ۰/۳۸۵          | $2e^{-16} >$  |
|                         |                  |                |         | قومیت (X <sub>۶</sub> ) | ۳/۰۲۹            | ۰/۳۱۴          | $2e^{-16} >$  |
|                         |                  |                |         | قومیت (X <sub>۷</sub> ) | ۱/۴۹۸            | ۰/۱۷۶          | $9/69e^{-16}$ |
|                         |                  |                |         | قومیت (X <sub>۸</sub> ) | ۲/۲۶۳            | ۰/۳۴۵          | $2/63e^{-10}$ |

بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه های اهواز از موقیعت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل های فطری تحرک

برای برخی برآوردها، خطای استاندارد و مقدار احتمال غیر قابل برآورد بوده است. بنابراین مقادیر یادشده برای برخی برآوردهای مدلی برازشی در جدول شماره ۳ قید نشده اند. مروری بر نتایج این جدول نشان دهنده آن است که فقط سن زنان دارای تأثیر معنی دار بر طبقه اجتماعی آنها دارد ( $p < 0/05$ ). با توجه به برآورد ضریب متغیر سن ( $-0/165$ )، افراد دارای سنین بالاتر از میانگین سن نمونه، طبقه اجتماعی پایین تری برای خود گزارش کرده اند. از سوی دیگر معنی دار شدن اثر متغیرهای توابع وزنی (قومیت) نشان دهنده اهمیت نقش آنها در تعیین وزن مبدأ و مقصد است ( $p < 0/001$ ). لذا می توان برای افراد با قومیت های متفاوت (عرب، بختیاری، فارس و سایر قومیت ها) به طور جداگانه به محاسبه وزن هایی که آنها در تعیین طبقه اجتماعی شان به موقیعت شغلی خود (مبدأ) و موقیعت شغلی همسرشان (مقصد) می دهند، پرداخت. جدول شماره ۴ وزن های مبدأ و قصد را برای زنان با قومیت های مختلف نشان می دهد.

جدول شماره ۴. برآورد وزن های مبدأ و مقصد برای زنان با قومیت های مختلف

| قومیت         | $X_e$ | $X_v$ | $X_n$ | برآورد وزن مبدأ | برآورد وزن مقصد |
|---------------|-------|-------|-------|-----------------|-----------------|
| عرب           | ۰     | ۰     | ۰     | ۰/۰۳۹           | ۰/۹۶۰           |
| بختیاری       | ۱     | ۰     | ۰     | ۰/۰۰۰۵۲         | ۰/۹۹۹           |
| فارس          | ۱     | ۱     | ۰     | ۰/۰۰۰۲۶         | ۰/۹۹۷           |
| سایر قومیت ها | ۱     | ۱     | ۱     | ۰/۰۰۰۳۱         | ۰/۹۹۶           |

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴ برای همه قومیت ها برآورد وزن مبدأ (موقیعت شغلی فرد) کمتر از برآورد وزن مقصد (موقیعت شغلی همسر) است یعنی زنان شاغل با قومیت های متفاوت، در تعیین طبقه اجتماعی به موقیعت شغلی همسرش بیش از موقیعت شغلی خود اهمیت می دهند.

### تحلیل تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری

#### بر هویت طبقه اجتماعی زنان

در این بخش، هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل را از دیدگاه وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری مورد بررسی قرار می دهیم. متغیرهایی که در این بخش جهت تجزیه و تحلیل به کار می روند عبارت اند از: تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت مالی

خانواده پدری و سه متغیر تحرک  $X_{20}$ ،  $X_{25}$  و  $X_{26}$ . این سه متغیر را به ترتیب متغیرهای تحرک اول، دوم و سوم می‌نامیم. با استفاده از این سه متغیر می‌توان علاوه بر تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری، تأثیر تحرک اجتماعی بر هویت طبقه اجتماعی زنان را نیز بررسی کرد.

جدول شماره ۵. برآورد و خطای استاندارد مدل رابطه میان وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری و هویت طبقه اجتماعی زن

| p-value      | خطای استاندارد | برآورد پارامترها | متغیرهای توابع وزنی | p-value  | خطای استاندارد | برآورد پارامترها | متغیرهای مستقل |
|--------------|----------------|------------------|---------------------|----------|----------------|------------------|----------------|
| $2e^{-16} >$ | ۰/۱۴۲          | ۳/۳۴۲            | عرض از مبدأ ۱       | ۰/۰۰۰۰۷۴ | ۰/۰۰۹          | ۰/۰۱۳۱           | تحصیلات پدر    |
| $2e^{-16} >$ | ۰/۰۸۶          | ۲/۸۰۴            | متغیر تحرک دوم      | ۰/۷۶۴    | ۰/۰۹۱          | -۰/۰۲۷           | متغیر تحرک دوم |
| $2e^{-16} >$ | ۰/۱۳۳          | ۱/۴۵۹            | عرض از مبدأ ۲       |          |                |                  |                |
| $2e^{-16} >$ | ۰/۱۲۴          | ۲/۳۱۱            | متغیر تحرک دوم      |          |                |                  |                |

جدول شماره ۵ نتایج مدل برازش شده را نشان می‌دهد. بر این اساس فقط تحصیلات پدر دارای اثر معنی دار بر طبقه اجتماعی زنان است ( $p < ۰/۰۰۱$ ). با توجه به برآورد ضریب این متغیر (۰/۰۳۱) رابطه مستقیم میان تحصیلات پدر و تصور زنان از طبقه اجتماعی شان وجود دارد و زنانی که دارای پدران با تحصیلات بالاتری هستند، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. همچنین متغیر تحرک دوم تنها متغیر وزنی مؤثر بر وزن مبدأ و مقصد است. بنابراین می‌توان دو دسته وزن مبدأ و مقصد برای افراد دارای تحرک اجتماعی و فاقد تحرک اجتماعی محاسبه کرد (جدول شماره ۶). مروری بر نتایج این جدول نشان می‌دهد که زنان فاقد تحرک اجتماعی و دارای تحرک اجتماعی در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود (مبدأ) پیش از موقعیت شغلی همسر اهمیت می‌دهند و زنان دارای تحرک اجتماعی نسبت به آن‌هایی که تحرک اجتماعی ندارند به میزان بیشتری در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

از جمله عوامل مؤثر بر هویت طبقه اجتماعی زنان می‌توان به ثروت، درآمد و به‌طور کامل وضعیت اقتصادی خانواده‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، اشاره کرد. بنابراین در این بخش به بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر تصور فرد از طبقه اجتماعی اش می‌پردازیم.



بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه های اهواز از موقیعت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل های فطری تحرک

جدول شماره ۶. برآورد وزن های مبدأ و مقصد

| برآورد وزن مقصد | برآورد وزن مبدأ | X <sub>۲۵</sub> |   |
|-----------------|-----------------|-----------------|---|
| ۰/۱۳۲           | ۰/۸۶۷           | ۰               | ۱ |
| ۰/۰۸۵           | ۰/۹۱۴           | ۱               | ۲ |

### تحلیل تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر هویت طبقه اجتماعی زنان

متغیرهایی که در این بخش برای بررسی در نظر گرفته شده اند عبارت است از: درآمد فرد پاسخگو، درآمد همسر، نوع منزل مسکونی و متغیرهای تحرک. با استفاده از معیار اطلاع آکائیک بهترین مدل برازشی شامل متغیرهای درآمد فرد پاسخگو، درآمد همسر و نوع منزل مسکونی و دو متغیر تحرک، همچنین متغیرهای تحرک به عنوان متغیرهای مؤثر بر وزن های مبدأ و مقصد، در توابع وزنی این مدل در نظر گرفته شده اند. نتایج مربوط به برآورد این مدل در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷. برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی

برای بررسی رابطه وضعیت اقتصادی خانواده و طبقه اجتماعی افراد

| متغیرهای مستقل                     | برآورد پارامترها | خطای استاندارد | p-value      | متغیرهای توابع وزنی | برآورد پارامترها | خطای استاندارد | p-value       |
|------------------------------------|------------------|----------------|--------------|---------------------|------------------|----------------|---------------|
| درآمد فرد                          | ۰/۱۲۳            | ۰/۰۷۲          | ۰/۰۸۹        | عرض از مبدأ ۱       | ۳۰/۱۴۹           |                |               |
| درآمد همسر                         | ۰/۲۱۵            | ۰/۰۴۴          | $۱/۹۶e^{-۶}$ | متغیر تحرک اول      | ۲/۶۷۴            | ۰/۳۸۲          | $۱/۸۳e^{-۱۱}$ |
| نوع منزل مسکونی (X <sub>۲۴</sub> ) | -۰/۰۱۲           | ۰/۰۸۸          | ۰/۸۹۰        | متغیر تحرک دوم      | ۲/۷۸۱            | ۰/۲۳۴          | $۲e^{-۱۶} >$  |
| نوع منزل مسکونی (X <sub>۲۷</sub> ) | -۰/۰۲۵           | ۰/۱۲۰          | ۰/۸۳۳        | عرض از مبدأ ۲       | ۲/۲۵۲            | ۰/۱۹۰          | $۲e^{-۱۶} >$  |
| متغیر تحرک اول                     | -۰/۵۸۰           | ۰/۲۰۲          | ۰/۰۰۴        | متغیر تحرک اول      | ۱/۱۱۴            | ۰/۱۷۴          | $۶/۰۷e^{-۱۰}$ |
| متغیر تحرک دوم                     | -۰/۲۷۷           | ۰/۱۲۱          | ۰/۰۲۳        | متغیر تحرک دوم      | ۱/۵۲۵            | ۰/۲۲۸          | $۱/۰۷e^{-۱۰}$ |

با توجه به نتایج این جدول متغیر درآمد فرد ( $p < ۰/۱$ ) و درآمد همسر ( $p < ۰/۰۰۱$ ) معنی دار هستند. اما نوع منزل مسکونی تأثیر معنی داری بر تصور افراد از طبقه اجتماعی شان ندارد. متغیرهای تحرک نیز هر دو در سطح معنی داری  $۰/۰۵$  بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان تأثیر معنی دار دارند ( $p < ۰/۰۵$ ). حال به تفسیر چگونگی تأثیر این متغیرها می پردازیم.

با توجه به برآورد ضریب متغیر درآمد فرد (۰/۱۲۳) مشاهده می شود که رابطه مستقیم میان درآمد فرد و تصور او از طبقه اجتماعی اش وجود دارد بدین معنی که افراد با درآمد بالاتر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می کنند. همچنین ضریب متغیر درآمد همسر (۰/۲۱۵) نیز نشان دهنده وجود رابطه مستقیم میان درآمد همسر و تصور فرد از طبقه اجتماعی اش دارد. یعنی افرادی که همسران آنها درآمد بالاتری دارند نسبت به سایر افراد طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می کنند. حال با توجه به برآورد ضرایب متغیرهای تحریک در جدول ۸ به بررسی تأثیر تحریک اجتماعی بر هویت طبقه اجتماعی افراد می پردازیم. با توجه به توصیفی که از متغیر تحریک اول داشتیم و برآورد ضریب این متغیر (۰/۵۸۰-)، با توجه به نمونه زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند، طبقه اجتماعی پایین تری برای خود گزارش داده اند. مقادیر احتمال داده شده در جدول ۷ برای برآورد ضرایب متغیرهای توابع وزنی نشان می دهند که تمام این متغیرها در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار هستند. برآورد وزن های مبدأ و مقصد براساس متغیر تحریک اول در جدول ۸ و برآورد وزن های مبدأ و مقصد براساس متغیر تحریک دوم در جدول ۹ آمده است.

جدول شماره ۸. برآورد وزن های مبدأ و مقصد

| برآورد وزن مقصد | برآورد وزن مبدأ | $X_{۲۰}$ |   |
|-----------------|-----------------|----------|---|
| $\cong ۰$       | $\cong ۱$       | ۰        | ۱ |
| $\cong ۰$       | $\cong ۱$       | ۱        | ۲ |

جدول شماره ۹. برآورد وزن های مبدأ و مقصد

| برآورد وزن مقصد | برآورد وزن مبدأ | $X_{۲۴}$ |   |
|-----------------|-----------------|----------|---|
| $\cong ۰$       | $\cong ۱$       | -۱       | ۱ |
| $\cong ۰$       | $\cong ۱$       | ۰        | ۲ |
| $\cong ۰$       | $\cong ۱$       | ۱        | ۳ |

از قبل می دانیم که متغیر تحریک اول برای زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند برابر ۱ و برای سایر افراد برابر صفر است. جدول شماره ۸ برآورد وزن مبدأ و مقصد را برای این دو دسته ارائه می دهد. با توجه به وزن های مبدأ و مقصد، مشاهده می شود که با توجه به نمونه مورد بررسی، هم زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت

به همسران خود قرار دارند، و هم زنانی که این گونه نیستند، هر دو گروه در تعیین طبقه اجتماعی شان تقریباً به موقیعت شغلی همسرشان اهمیتی نمی دهند. حال به بررسی وزن های مبدأ و مقصد با استفاده از متغیر تحرک دوم می پردازیم. همان طور که قبلاً اشاره شد، این متغیر برای افرادی که تحرک اجتماعی ندارند مقدار صفر و برای افرادی که تحرک اجتماعی منفی دارند مقدار ۱- را اختیار می کند و برای افرادی که تحرک اجتماعی مثبت دارند مقدار این متغیر برابر ۱ است. جدول شماره ۹ برآورد وزن های مبدأ و مقصد را برای این سه دسته افراد، به طور جداگانه ارائه می دهد. با دقت در برآوردهای ارائه شده در جدول ۹ مشاهده می شود که با توجه به نمونه مورد بررسی، هر سه گروه یعنی زنانی که تحرک اجتماعی ندارند، آن هایی که تحرک اجتماعی منفی دارند و زنانی که تحرک اجتماعی مثبت دارند، در تعیین طبقه اجتماعی خود تقریباً تمام اهمیت را به موقیعت شغلی خود می دهند.

### تحلیل تأثیر وضعیت استخدامی بر هویت طبقه اجتماعی زنان

به نظر می رسد وضعیت استخدامی فرد بر تصور او از طبقه اجتماعی اش مؤثر باشد و همچنین می تواند بر اهمیتی که فرد در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقیعت شغلی خود و همسرش می دهد، تأثیرگذار باشد. در این بخش همچنین به مقایسه وضعیت استخدام فرد و همسرش می پردازیم و بررسی می کنیم که چگونه افراد با توجه به رابطه وضعیت استخدامی خود و همسرشان در تعیین طبقه اجتماعی خود به موقیعت شغلی خود و همسرشان اهمیت می دهند. متغیرهای مورد استفاده در این بخش به شرح زیر است:

سه متغیر  $X_{12}$ ،  $X_{13}$  و  $X_{14}$  بیانگر وضعیت استخدامی فرد هستند. هر یک از این متغیرها جهت مقایسه طبقه اجتماعی انتخابی افرادی با وضعیت استخدامی متفاوت به کار می روند. به عنوان مثال، متغیر  $X_{12}$  هویت طبقه اجتماعی افراد با استخدام رسمی را با افراد پیمانی مقایسه می کند. همچنین متغیرهای  $X_{21}$  و  $X_{22}$  را نیز به عنوان متغیرهای مقایسه کننده وضعیت استخدامی فرد و همسرش در نظر می گیریم. جدول شماره ۱۰ نتایج بهترین مدل برازش شده را نشان می دهد. این مدل شامل متغیرهای تعیین وضعیت استخدامی فرد پاسخگو است و هیچ تغییری جهت بررسی تأثیر آن بر وزن های مبدأ و مقصد در نظر گرفته نشده است. مروری بر نتایج این جدول نشان می دهد که این متغیرها نیز دارای اثر معنی دار بر هویت طبقه اجتماعی فرد نیستند ( $p > 0/05$ ). بنابراین وضعیت استخدام تأثیر معنی دار بر تصور فرد از طبقه اجتماعی اش ندارد و زنان با وضعیت استخدام متفاوت طبقه اجتماعی مشابهی برای خود تصور کرده اند. علاوه بر آن برآورد وزن مبدأ تقریباً برابر  $0/74$  است و برآورد وزن مقصد برابر  $0/26$  است. با

توجه به این برآوردها مشاهده می شود که در نمونه مورد مطالعه زنان در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود بیش از موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می دهند.

جدول شماره ۱۰. برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی جهت بررسی رابطه وضعیت استخدامی و طبقه اجتماعی افراد

| متغیرهای مستقل                   | برآورد پارامترها | خطای استاندارد | p-value | متغیرهای توابع وزنی | برآورد پارامترها | خطای استاندارد | p-value              |
|----------------------------------|------------------|----------------|---------|---------------------|------------------|----------------|----------------------|
| وضعیت استخدام (X <sub>۱۲</sub> ) | ۰/۰۹۴            | ۰/۰۹۷          | ۰/۳۳۷   | عرض از مبدأ ۱       | ۱/۳۳۰            | ۰/۱۵۳          | ۲/۰۱e <sup>-۱۲</sup> |
| وضعیت استخدام (X <sub>۱۲</sub> ) | ۰/۰۲۳            | ۰/۱۲۳          | ۰/۸۶    | عرض از مبدأ ۲       | ۰/۲۷۶            | ۷/۵۹۳          | ۳/۹۶e <sup>-۱۳</sup> |
| وضعیت استخدام (X <sub>۱۲</sub> ) | ۰/۰۵۰            | ۰/۱۴۰          | ۰/۷۲۱   |                     |                  |                |                      |

### تحلیل تأثیر وضعیت استخدامی همسر بر هویت طبقه اجتماعی زنان

به نظر می رسد که وضعیت استخدامی همسر (رسمی، پیمانی، قراردادی، پیمانکار یا آزاد) بر تصور فرد از طبقه اجتماعی اش موثر باشد. همچنین به نظر می رسد که رابطه وضعیت استخدامی فرد با همسرش، اهمیتی را که فرد در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرش می دهد، تحت تأثیر قرار می دهد. در این بخش به بررسی هویت طبقه اجتماعی زنان از دیدگاه فوق می پردازیم. چهار متغیر بیانگر وضعیت استخدامی همسر (X<sub>۱۶</sub>، X<sub>۱۷</sub>، X<sub>۱۸</sub> و X<sub>۱۹</sub>) همان طور که در قسمت معرفی متغیرها اشاره شد هر یک از متغیرها جهت مقایسه هویت طبقه اجتماعی انتخابی افرادی که همسران آنها در وضعیت استخدامی متفاوت هستند به کار می رود. همچنین متغیرهای (X<sub>۲۱</sub> و X<sub>۲۲</sub>) جهت مقایسه وضعیت استخدامی فرد و همسرش در مدل به کار می روند. جهت بررسی رابطه وضعیت استخدام همسر و هویت طبقه اجتماعی فرد، تمام مدل های ممکن را با استفاده از متغیرهای معرفی شده در ابتدای این بخش بر داده ها برازش می دهیم. معیار آکائیک نشان می دهد که بهترین مدل از میان مدل های برازش شده مدلی است که از چهار متغیر تعیین کننده وضعیت استخدامی همسر تشکیل شده است. جدول شماره ۱۱ برآورد و خطای استاندارد پارامترهای این مدل را ارائه می دهد.

بر اساس این جدول دو متغیر اول تعیین کننده وضعیت استخدامی فرد در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. با توجه به ضریب مثبت متغیر X<sub>۱۶</sub>، زنانی که همسران شان به طور پیمانی

بررسی پنداشت زنان شاغل در دانشگاه های اهواز از موقعیت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل های قطری تحرک

استخدام شده اند، طبقه اجتماعی بالاتری نسبت به آن هایی که همسران شان استخدام رسمی هستند، برای خود گزارش کرده اند. همچنین منفی بودن ضریب متغیر  $X_{17}$  حاکی از آن است، زنانی که همسران آنها استخدام قراردادی هستند طبقه اجتماعی پایین تری نسبت به آن هایی که

جدول شماره ۱۱. برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی

جهت بررسی رابطه وضعیت استخدام همسر بر طبقه اجتماعی زن

| p-value      | خطای استاندارد | برآورد پارامترها | متغیرهای توابع وزنی | p-value | خطای استاندارد | برآورد پارامترها | متغیرهای مستقل | وضعیت استخدام همسر |
|--------------|----------------|------------------|---------------------|---------|----------------|------------------|----------------|--------------------|
| $2/3e^{-12}$ | ۰/۱۸۰          | ۱/۴۴۵            | عرض از مبدأ ۱       | ۰/۰۳۰   | ۰/۱۶۳          | ۰/۳۵۵            | $X_{16}$       |                    |
| $3/30e^{-8}$ | ۰/۳۸۵          | ۲/۱۸۶            | عرض از مبدأ ۲       | ۰/۰۴۵   | -۰/۲۰۶         | ۰/۴۱۴            | $X_{17}$       |                    |
|              |                |                  |                     | ۰/۷۶۳   | ۰/۱۹۹          | -۰/۰۶۰           | $X_{18}$       |                    |
|              |                |                  |                     | ۰/۲۳۹   | ۰/۱۶۵          | ۰/۱۹۵            | $X_{19}$       |                    |

همسران شان به طور پیمانی استخدام شده اند، برای خود گزارش کرده اند. برآورد ضریب دو متغیر دیگر معنی دار نیست، بنابراین زنانی که همسران آنها استخدام قراردادی هستند با آن هایی که همسران شان از طریق پیمان کار استخدام شده اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی داری نداشتند. همچنین زنانی که همسران آنها از طریق پیمان کار استخدام شده اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی داری با آن هایی که همسران شان شغل آزاد دارند، نداشتند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از مدل های قطری تحرک با متغیر پاسخ ترتیبی، به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور و رابطه آن با موقعیت شغلی خود و همسرشان پرداختیم. پس از تحلیل داده های مورد مطالعه نتایج زیر در مورد هویت طبقه اجتماعی زنان شاغل حاصل شد:

— متغیر سن تأثیر معنی داری بر تصور افراد از طبقه اجتماعی شان دارد. زنان با سن بالاتر نسبت به افراد با سن کمتر طبقه اجتماعی پایین تری برای خود تصور می کنند.

— تحصیلات، قومیت، تحصیلات مادر و وضعیت مالی خانواده پدری، نوع منزل مسکونی با توجه به نمونه مورد مطالعه، تأثیر معنی داری بر تصور فرد از طبقه اجتماعی اش ندارد. اما

تحصیلات پدر بر تصور زنان از طبقه اجتماعی‌شان تأثیر معنی‌داری دارد. زنان دارای پدران با تحصیلات بالاتر، نسبت به سایر افراد، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش کرده‌اند. در مطالعه‌ای مشابه بر روی زنان در تهران مشخص شد که بین تحرک اجتماعی زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین آن‌ها رابطه وجود دارد. یعنی هرچه درآمد، تحصیلات و منزلت والدین بالاتر باشد میزان تحرک صعودی دختران آن‌ها بیشتر می‌شود (سفیری و ایمانی، ۱۳۸۵).

— درآمد فرد پاسخگو بر تصور او از طبقه اجتماعی‌اش تأثیر معنی‌داری دارد. افراد با درآمد بالاتر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش داده‌اند. درآمد همسر نیز تأثیر معنی‌داری بر طبقه اجتماعی گزارش شده از سوی زنان دارد. به گونه‌ای که افرادی که همسران آن‌ها درآمد بالاتری داشتند، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش کرده‌اند.

— با توجه به نمونه مورد مطالعه، وضعیت استخدامی تأثیر معنی‌داری بر طبقه اجتماعی گزارش شده فرد پاسخگو نداشت. بنابراین افراد با وضعیت استخدامی متفاوت طبقه اجتماعی مشابهی برای خود گزارش داده‌اند. زنانی که همسران آن‌ها استخدام پیمانی هستند نسبت به زنانی که همسران‌شان استخدام رسمی هستند طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. یکی از دلایل این امر می‌تواند سن پایین‌تر این زنان نسبت به آن‌هایی که همسران‌شان استخدام رسمی هستند باشد. با توجه به نمونه مشاهده شد که زنان با سنین پایین‌تر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور کرده‌اند. همچنین با توجه به نمونه زنانی که همسران‌شان استخدام قراردادی هستند نسبت به زنانی که همسران آن‌ها به طور پیمانی استخدام شده‌اند طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود گزارش داده‌اند. زنانی که همسران آن‌ها استخدام قراردادی هستند با آن‌هایی که همسرشان از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند. همچنین زنانی که همسران آن‌ها از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، با آن‌هایی که از همسرشان شغل آزاد دارند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند.

— زنانی که از نظر شغلی در وضعیتی بهتر از همسران خود قرار دارند، طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود تصور می‌کنند.

— با توجه به نمونه مورد مطالعه زنان دارای تحرک اجتماعی و فاقد تحرک اجتماعی در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین آن‌هایی که تحرک اجتماعی دارند نسبت به بقیه افراد به میزان بیشتری به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

— زنانی که از نظر وضعیت استخدام در وضعیتی بهتری نسبت به همسران‌شان قرار دارند، در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین زنانی که

وضعیت استخدامی بهتری نسبت به همسران شان ندارند نیز به موقیعت شغلی خود در تعیین طبقه اجتماعی اهمیت بیشتری می دهند با این تفاوت که زنانی که از لحاظ استخدام در وضعیت بهتری نسبت به همسران شان هستند نسبت به دسته دوم به میزان بیشتری در تعیین طبقه اجتماعی شان به موقیعت شغلی خود اهمیت می دهند.

### منابع

- ایمان، محمدتقی و طاهره کیدقان (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شیراز)»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۲۲ و ۴۵.
- سفیری، خدیجه و الهه ایمانی (۱۳۸۵)، «تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت ها»، پژوهش زنان، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸)، «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴.
- کلاتری، صمد و محمد سلمان قائمی (۱۳۸۱)، «تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی (مطالعه موردی شهر همدان)»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴)، «منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم.

- Baxter, J. (1994), "Is Husband's class enough? Class location and class identity in the United States, Sweden, Norway, and Australia," *Am. Sociol. Rev.*, 59, 220-235.
- Davis, N.J. Robinson, R. V. (1988), "Class identification of men and women in the 1970s and 1980s", *Am. Sociol. Rev.*, 53, 103-112.
- De Graaf, N. D., Nieuwbeerta, P. and Health A. (1995), "Class Mobility and Political Preferences: Individual and Contextual Effects." *A.J.S.*, 100(4), 997-1027.
- Eriskon, R. and Goldthorpe, J.H. (1992a), "Individual or family?" results from two approaches to class assignment," *Acta Social*, 35, 95-105.
- Eriskon, R. and Goldthorpe, J.H. (1992b), "The Constant Flux: a Study of Class Mobility in Industrial Societies", Oxford: Clarendon.
- Felson, M. and Knoke, D. (1974), "Social status and married women", *Journal of Marriage and the Family*, 36, 516-521.
- Goldthorpe, J.H. (1980), "Social Mobility and Class Structure in Modern Britain", Oxford: Clarendon.
- Hayes, B.C. and Jones F.I., (1992), "Class indentification among Australian couples: are wives characteristics irrelevant?", *Br. J. Sociol.*, 43, 463-483.

- Hüller, D. and Philliber, W.W. (1978), "The derivation of status benefits from occupational attainments of working wives." *Journal of Marriage and the Family*, 40, 63-70.
- Iannelli, C. and Paterson, L. (2007). "Education and social mobility in Scotland", *Research in Social Stratification and Mobility*, 25, 219-232.
- Jackman, M.R. and Jacman, R.W. (1983), *Class Consciousness in the United States*, Berkeley: University of California Press.
- Marshall, G. and Firth, D. (1999), "Social Mobility and Personal Satisfaction: Evidence from Ten Countries," *Br. J. Sociol.*, 50(1), 28-48.
- Marshall, G. Roberts, S. Burgoyne, C. Swift, A. and Ruth, D. (1995), "Class, gender and the asymmetry hypothesis," *Eur. Sociol. Rev.*, 11, 1-15.
- Nettle, D. (2008), Why do some dads get more involved than others? Evidence from a large British cohort, *Evolution and Human Behavior*, 29, 416-423/
- Nieuwbeerta, P. and De Graaf, N.D. (1993), "Intergenerational class mobility and political preference between 1970 and 1986 in The Netherlands", *Netherlands Journal of Social Sciences*, 29, 28-45.
- Nieuwbeerta, P. and Wittebrood, K. (1995), "Intergenerational Transmission of Political Party Preference in The Netherlands", *Social Science Research*, 24, 243-261.
- Nieuwbeerta, P. De Graaf, N.D. and Ultee, W. (2000), "The Effects of Class Mobility on Class voting in Post-War Western Industrialized Countries", *Eur. Sociol. Rev.*, 16, 327-348.
- Nieuwbeerta, P. and Flap, H. (2000), "Crosscutting social circles and political choice Effects of Personal network composition on voting behavior in The Netherlands", *Social Networks*, 22, 313-335.
- Ritter, K.V. and Hargens, L.L. (1975), "Occupational position and class indentifications of marries working women: a test of the asymmetry hypothesis", *Am. J. Sociol.*, 80, 934-948.
- Roberts, S. and Marshall, G. (1995), "Intergenerational class processes and the asymmetry hypothesis", *Sociology*, 29, 43-58.
- Sobel, M.E., (1981), Diagonal mobility models: "a substantively motivated class of designs for the analysis of mobility effects", *Am. Sociol. Rev.*, 46, 893-906.
- Sobel, M.E. (1985), "Social mobility and fertility: some new models for the analysis of the mobility effects hypothesis," *Am. Sociol. Rev.*, 50, 699-712.
- Sobel, M.E., De Graff, N.D. Heath, A. and Zou, Y. (2004)," Men matter more: the social class identity of marries British Women", 1985-1991, *J.R. Statist. Soc. A.*, 167, Part 1, pp. 37-52.



بررسی پنداشت زنان ضابط از موقعیت طبقاتی خودشان با استفاده از مدل‌های نظری تحرک

Van Berkel, M. and De Graaf, N.D. (1995), "Husband's and Wife's Culture Participation and their Levels of Education: A Case of Male Dominance?", *Acta Sociologica*, 38, 131-149.

Van der Silk, F. W. P., De Graaf, N.D. and Gerris, J.R.M. (2002), "Conformity to Parental Rules: Asymmetric Influences of Father's and Mother's Levels of Education", *European Sociological Review*, 18(4), 489-502.

Van Velsor, E. and Beeghly, L. (1979), "The process of class identification among employed married women: replication and reanalysis", *Journal of Marriage and the Family*, 41, 771-778.

Whelan, C.T. and Late, R. (2006), Economic boom and social mobility: The Irish experience, *Research in Social Stratification and Mobility*, 24, 193-208.

Wright, E.O. (1980) < "Women in the class structure", *Polit. Soc.*, 17, 35-66.

عبدالرحمن واسیح، دانشیار گروه آمار و ریاضی دانشگاه شهید چمران است (نویسنده مسئول).

Rasekh\_a@scu.ac.ir

معصومه باقری، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران است.

maba\_65@hotmail.com

صدیقه حافظی، کارشناس ارشد آمار دانشگاه شهید چمران است.